

خواهد یافت؟

آیا غزه به صلحی پایدار دست



دکتر سارا امامقلی پور

استاد تمام اقتصاد بین الملل - دانشگاه علوم پزشکی تهران

جنگ و درگیری علاوه بر اینکه دارای تبعات مستقیم سلامت شامل تلفات، زخمی ها و ناتوانی ها است، پیامدهای غیرمستقیمی نیز دارد که غالباً به اندازه پیامدهای مستقیم و یا خسارت بارتر از آن ها هستند. آسیب هایی که طی جنگ به افراد وارد می شود چه جسمی و چه روانی، اغلب اثرات بلندمدتی دارند و به آسانی التیام نمی یابند. از سوی دیگر، جنگ ها به زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، سلامت، آموزش، اشتغال و... صدماتی وارد می کنند که به سختی جبران پذیر هستند. همچنین درگیری های بین کشوری، موجب از بین رفتن محیط زیست و ایجاد آلودگی هایی می شود که تهدیدکننده بشریت هستند.

باتوجه به شرایط و سابقه جنگ بین اسرائیل و فلسطین و موقعیت سرزمین‌های اشغالی، چشم‌انداز صلح در غزه چیست؟ (Galtung, ۱۹۶۷).

نوار غزه، یکی از متراکم‌ترین مناطق جهان است که تراکم جمعیتی حدود ۶۳۰۰ نفر در کیلومتر مربع دارد و حتی در برخی مناطق شمالی نوار غزه این تراکم به بیش از ۳۰ هزار نفر در کیلومتر مربع می‌رسد. از این جمعیت، حدود ۴۰٪ را کودکان زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. هنگامی که جنگ در منطقه‌ای با این تراکم روی می‌دهد، پیشاپیش می‌توان متصور بود که بیشترین خسارات به جامعه انسانی وارد می‌شود. براساس اطلاعات ارائه شده توسط سازمان ملل، ۶۷٪ تلفات جنگ را زنان و کودکان و بیش از ۵۰٪ گم‌شدگان را کودکان تشکیل می‌دهند. تعداد کودکان

با برقراری صلح در جوامع و بین کشورها می‌توان مانع از بسیاری از هزینه‌ها و خسارات شد. صلح، یکی از مفاهیمی است که کاملاً بدیهی است و خود توضیح‌دهندگی دارد اما در چارچوب تئوریک، نوع‌شناسی صلح متفاوت است. براساس نظر یوهان گالتونگ (۱۹۶۷) بنیان‌گذار مطالعات صلح و نظریاتی که با رویکرد گالتونگ جرعه آنها زده شد، سه معنی و یا تفسیر را می‌توان برای صلح متصور بود که لزوماً مانعه‌الجمع نیستند؛ «صلح منفی» که به معنی نبود جنگ، درگیری و خونریزی است. «صلح مثبت» که به معنی وجود روابط دوستانه، همراه با انسجام، همکاری و توازن است. «صلح ساختاری» که وابسته به امور سیاسی - اجتماعی است و در آن عدالت و برابری، هدف غالب است. حال باید دید



همچنین در سال ۲۰۲۲، ۶۲٫۹٪ از خانوارها در معرض سوء تغذیه متوسط تا شدید بوده اند که با شروع جنگ، وضعیت نامناسب تری ایجاد شده است؛ به گونه ای که براساس مقیاس گرسنگی خانوار (HHS)، در مناطق شمالی، ۴۷٪ خانوارها در معرض گرسنگی خیلی شدید و ۴۸٪ در معرض گرسنگی متوسط هستند و در مناطق جنوبی ۳۳٪ در معرض گرسنگی خیلی شدید و شدید و ۵۳٪ در معرض گرسنگی متوسط هستند. سازمان دیده بان حقوق بشر اعلام کرده است که اسرائیل از گرسنگی به عنوان سلاح علیه مردم غزه استفاده می کند. پیش بینی ها نشان می دهند که جنگ غزه، موجب شده است وضعیت توسعه انسانی ۲۰۲۳ غزه به حدود ۱۱ تا ۱۶ سال قبل برگردد (UNDP, ۲۰۲۳).

بحران آب، یکی دیگر از دلایل افت شدید کیفیت زندگی در سرزمین های اشغالی و یکی دیگر از سلاح های استفاده شده اسرائیل علیه سرزمین های اشغالی است. آب، یکی از کالاهای استراتژیک برای اراضی فلسطینی و نوار غزه به شمار می آید و براساس توافقنامه هایی که تاکنون بین اسرائیل و فلسطین وجود داشته است، عرضه آب به غزه، در کنترل اسرائیل است. در جنگ حاضر نیز اسرائیل از این ضعف استراتژیک استفاده کرده است و عرضه آب را با محدودیت روبه رونموده است. مصرف آب آشامیدنی سالم برای نوشیدن، پخت و پز و بهداشت، از سرانه ۸۰ لیتر روزانه به ۳ لیتر کاهش یافته است؛ در صورتی که استاندارد آن بر اساس سازمان جهانی بهداشت (WHO) سرانه ۱۵۰ لیتر در روز است. کمبود دسترسی به آب و بهداشت، موجب پیامدهای عمیق سلامت در غزه شده است.

کشته شده نوار غزه برابر با تعداد کل کودکانی است که از سال ۲۰۲۰ سالانه در درگیری های نظامی ۲۲ کشور کشته شده اند و این شدت، فاجعه انسانی را نشان می دهد.

از نظر مقایسه با دوره های قبلی، تلفات نوار غزه در جنگ ۲۳ روزه ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۱۳۸۵ نفر بوده اند که فقط حدود ۳۲٪ آنها را زنان و کودکان تشکیل می دادند. در جنگ ۵۰ روزه ۲۰۱۴ تعداد تلفات ۲۲۵۱ نفر بود که ۳۸٪ آنها زنان و کودکان بودند اما طی بازه ۴۵ روزه از جنگ ۲۰۲۳، تعداد تلفات بیش از ۱۴۰۰۰ نفر بود که ۶۷٪ آنها را زنان و کودکان تشکیل می دهند و نشان دهنده آسیب پذیری بیشتر و شدت خسارات وارده است. همچنین تعداد آوارگان جنگ ۲۰۲۳ تاکنون بیش از دو برابر جنگ ۲۰۱۴ بوده است (UNDP, ۲۰۲۳).

کاملاً مشخص است که افرادی بی خانمان اند که مستعد بروز پیامدهای مربوط به عدم دسترسی به بهداشت و درمان، آب و غذای سالم هستند. باتوجه به اینکه نوار غزه تا پیش از جنگ نیز بالاترین رتبه های استرس و افسردگی را در جهان داشته است (شیوع افسردگی در نوار غزه ۷۱٪ و در کرانه باختری ۵۰٪) (World Bank, ۲۰۲۲)، علاوه بر سلامت جسمی، سلامت روان مردم این منطقه نیز به شدت در معرض آسیب است.

از نظر خسارت به زیرساخت ها، طی بازه ۴۵ روزه پس از جنگ، از ۴۵٪ منازل مسکونی، بیش از ۴۰٪ مراکز آموزشی و بیش از ۴۰٪ زیرساخت های کشاورزی تخریب شده اند. نرخ فقر که در سال ۲۰۲۰ در نوار غزه ۶۱٪ بود، انتظار می رود پس از جنگ بین ۲۷ تا ۳۹٪ افزایش پیدا کند (UNDP, ۲۰۲۳).

دوباره درگیری‌ها و تجاوز دوباره وجود دارد. می‌توان گفت اتمام جنگ برای رسیدن به صلح در غزه لازم است اما برای دستیابی به صلح پایدار کافی نخواهد بود و لازمه صلح همه‌جانبه برای مردم غزه، حذف ریشه‌ها، علل و زمینه‌های بروز درگیری و خشونت، نقض حقوق بشر و بی‌عدالتی‌ها و نیز بازیابی و جبران خسارات وارده است. در این راستا، در کنار حفظ حاکمیت و استقلال دولت‌ها، حمایت‌ها و نظارت جامعه بین‌الملل و به ویژه دولت‌های مسلمان، نقش به‌سزایی دارد.

منابع

1. Galtung, Johan, 1967. Theories of Peace: A Synthetic Approach to Peace Thinking. Oslo: International Peace Research Institute.
2. UNDP, 2023, Policy brief: Gaza war: expected socioeconomic impacts on the State of Palestine.
3. World Bank, 2022, Mental Health in the West Bank and Gaza. Washington, D.C.: World Bank Group. <http://documents.worldbank.org/curated/en/099153502102330181>.
4. World Food Program, 2023, Gaza Food Security Assessment.

از نظر خسارت‌های وارد شده، این سؤال مطرح می‌شود که با برقراری آتش‌بس و قطع جنگ، دسترسی به صلح مثبت چقدر امکان‌پذیر است؟ در مؤسسه صلح و اقتصاد (IEP) برای نشان دادن شاخص صلح جهانی، هشت رکن را برای سنجش صلح مثبت برمی‌شمارند: (۱) داشتن دولتی با عملکرد خوب؛ (۲) داشتن محیط مناسب برای کسب و کار؛ (۳) توزیع عادلانه منابع؛ (۴) احترام به حقوق یکدیگر؛ (۵) روابط خوب با همسایگان؛ (۶) جریان آزاد اطلاعات؛ (۷) بالا بودن سطح سرمایه‌انسانی؛ (۸) سطوح پایین فساد.

با پایان یافتن درگیری و خونریزی، غزه به صلح منفی دست می‌یابد اما برای دستیابی به صلح مثبت، تنها پایان یافتن مخاصمه کافی نیست و لازم است همه مواردی که کیفیت زندگی افراد را دچار مخاطره می‌کنند، برطرف شوند. ضمن اینکه براساس مستندات سازمان ملل، سطح توسعه انسانی در غزه به حدود ۱۱ تا ۱۶ سال قبل برگشته است؛ بنابراین هر عاملی از جمله تخریب ساختارهای اقتصادی اجتماعی، محیط زیست، عدالت، آزادی‌های فردی و... که موجب به خطر انداختن کیفیت زندگی افراد به طور مستقیم یا غیرمستقیم شود، موجب عدم دستیابی به صلح مثبت می‌شود. برای رسیدن به صلح مثبت باید عوامل شکل‌گیری ظلم، تبعیض و خشونت ساختاری از بین برود و شرایط لازم برای برقراری سلامت جسمی و روانی، عدالت اجتماعی، آسایش و رفاه انسان‌ها فراهم شود.

شایان ذکر است که صلح منفی و صلح مثبت، مکمل یکدیگر هستند و اگر توزیع منابع، دسترسی‌ها و قدرت، عادلانه یا به نسبت عادلانه نباشد، احتمال شکل‌گیری